

سلسله سیاست های اوپن سوسایتی انستیتیوت (انستیتیوت جامعه باز) در رابطه به تلفات ملکی و توقیف های مربوط به منازعات در پاکستان و افغانستان

بیگانگان در دروازه
حملات شبانه توسط نیروهای بین المللی باعث آزدن قلب و افکار افغانها می شود
در همکاری با دفتر ارتباطات

اریکا گستون، انستیتیوت جامعهء باز
جاناتون هاروتز، انستیتیوت جامعهء باز
و سوسانی شمل، دفتر ارتباطات

22 فبروری 2010



از ابتکارات سیاست انستیتوت جامعه باز در رابطه به پاکستان و افغانستان
خلاصه سیاست شماره 1

بیگانگان در دروازه
حملات شبانه توسط نیروهای بین المللی باعث آزدن قلب و افکار افغانها می شود
در همکاری با دفتر ارتباطات

فشرده مطالب

افغانهای ملکی بصورت روز افزون فشارهای ج ننگ در افغانستان را متحمل شده اند . هرچند شورشیان، مسئول بیشتر این خسارات بوده ولی خشم و ناامیدی افغانها بیشتر متوجه نیروهای بین المللی بوده است . ست. نیروهای بین المللی با آوردن بهبود در رفتار شان، مخصوصاً کاهش تلفات ملکی در حملات هوایی، تلاش قابل ملاحظه ای برای رفع این مهم نموده اند . به هرحال، عملی که بسیار کم تخمیر نموده عملیات جستجو و دستگیری می باشد که بنام تهاجم شبانه یاد می شود.

تحقیقاتی که توسط انستیتوت جامعه باز (OSI) و موسسه غیردولتی افغان بنام دفتر ارتباطات (TLO, The Liaison Office) صورت گرفته نشان می دهد که این حملات بصورت گسترده توأم با بدرفتاری و معافیت از مجازات بوده است. حملات شبانه باعث آسیب های روانی زیاد به مردم افغانستان و به خصوص بیزاری کسانی شده است که نیروهای بین المللی دارند از آنها محافظت نمایند . در جریان حملات شبانه، نیروهای بین المللی و عساکر افغان در هنگام تاریکی شب به خانه های محل داخل می شوند و افراد مظنون را جستجو می نمایند که در اکثر موارد اگر تمام مردان را نه ولی اکثریت آنها را دستگیر می نمایند.

حملات شبانه بصورت یک سد بزرگ در برابر تعهدات جامعه بین الملل برای باثبات ساختن افغانستان با بدست آوردن اعتماد و همکاری مردم، در آمده است . تصورات منفی افغانها در رابطه به بازیگران نظامی بین المللی تا زمانی تغییری نخواهد کرد که بدرفتاری های مرتبط با تهاجم شبانه ادامه داشته باشد.

از ماه سپتامبر تا دسامبر سال 2009 دفتر OSI و TLO یک مطالعه را در ولایات جنگ زده جنوب شرقی پکتیا و خوست انجام دادند تا بدانند که افغانها در مورد نیروهای بین المللی چه نظر دارند و آیا آنها فکر میکنند که اصلاحات جدید در سیاست های نظامی سوئد خواهد بود یا خیر . هرچند تمرکز این مطالعه بر دو ولایت بوده است، ولی پاسخ های مشابه در دیگر مناطق افغانستان نیز ثبت شده که نشان دهنده ای یک مشکل گسترده و مستمر می باشد.

هرچند تلاشی های شبانه میتواند فواید فزاینده ای و سوئد برای نیروهای حامی دولت باشد ولی این منجر به ایجاد ترس در میان مردم محل و افزایش خطر آسیب رسیدن بدون تفکیک به غیرنظامیان در محل مورد تلاشی یا تهاجم می شود. قتل، جراحت، خسارات مالی و فشارهای روانی که عموماً تهاجمات یا حملات شبانه به همراه دارد، اعتماد مردم را از بین می برد و پیشرفت برای محافظت از مردم را محدود می نماید.

تهاجم شبانه باعث تراکم مشکلاتی که از فرآیند نبود ضمانت به میان آمده است، می شود . این حملات عموماً مبتنی بر معلومات غلط و نادرست بوده و موجب دستگیری افراد بی گناه می گردد . سپس این افراد بدون تأمل برای مدت طولانی و شرایط ناکافی برای اثبات بی گناهی شان به زندان فرستاده می شوند . این امر نظام عدلی را بیشتر بی اعتبار ساخته و مردم را منحرف می کند و تلاش ها برای گسترش حاکمیت قانون را زیر سوال می برد.

دستگیری افراد در منازعه فعلی افغانستان شاید یک امر ضروری باشد ولی تلاش های بیشتر باید بصورت گیرد تا تلاشی های شبانه و دیگر عملیات های توقیفی، اهداف بزرگ سیاست های جامعه جهانی که گسترش ثبات، بهبود حاکمیت قانون، فرآیند قانونمند شدن و محافظت از مردم می باشد را زیر سوال نبرد.

1. **یافتن بدیل برای حملات شبانه در صورت امکان**
این بدیل باید نگرانی های مردم را تشخیص نموده و در مطابقت بیشتر با فرآیند قانونمند شدن باشد.
2. **هماهنگی حملات شبانه با فرماندهان نیروهای بین المللی کمک و امنیت (آیساف) در محل.**
فرماندهان محلی نیروهای آیساف را از انجام هر نوع حملات شبانه در منطقه تحت عملیات نموده و در صورت امکان آنها را اگر قبل از عملیات نه، بعد از عملیات در تصمیم گیری، تعیین اهداف و اجراات، دخیل سازید.
3. **جلوگیری از اطلاعات نادرست**
اطلاعات دقیق و چندجانبه با بدنه وسیع و گوناگون منابع محلی بشمول حکومت افغانستان می تواند در جلوگیری از حملاتی که اشتبهاً غیرنظامیان بی گناه را هدف قرار می دهد کمک نماید.
4. **اطمینان حاصل شود اینکه دخالت بیشتر افغانها به معنی مجوز برای تخلف نیست**
اگر نیروهای بین المللی مانع قانون شکنی و بدرقتاری نیروهای افغانی که آنها را همراهی میکنند نشود اکثریت افغانها نیروهای بین المللی را مقصر آن می دانند.
5. **اجتناب از کار کردن با شبه نظامیان غیر مسوول.**
این گروه ها در تخلفات شهرت دارند، نظارت از آنها و مسؤل قرار دادن آنها باعث ایجاد مشکل می شود.
6. **بازگرداندن اعتماد توسط مسئولیت پذیری بیشتر**
میکانیسمی که به شکایات در مورد حملات شبانه پاسخگو باشد و بتواند بصورت درست در سلسله فرماندهی نظامی به آنها بپردازد ضروری می باشد.

این سلسله نوشتاری بخشی از ابتکارات ساحوی انستیتوت جامعه باز برای پرداختن به موضوع تلفات ملکی، دستگیری های مرتبط با منازعات و نگرانی های مرتبط در افغانستان و پاکستان می باشد. انستیتوت جامعه باز یک نهاد غیردولتی می باشد که برای ایجاد مردم سالاری و فرهنگ تحمل پذیری کار نموده و زمینه را فراهم میسازد تا دولت ها در مقابل مردم پاسخگو باشند. این نهاد در سطح محلی نیز در راستای آموزش و پرورش، دادگستری یا بهبود فرآیند عدلی، بهداشت همگانی و رسانه های آزاد، ابتکاراتی به خرج می دهد.

این تحقیق بصورت مشترک توسط انستیتوت جامعه باز و دفتر ارتباطات (The Liaison Office) انجام شده است. دفتر ارتباطات یک نهاد غیردولتی افغانی می باشد که به منظور تقویت حکومت محلی و صلح و ثبات از طریق تعامل سیستماتیک و علمی با ساختارهای سنتی و جامعه جدید مدنی توسط تحقیق، گفتگو و برنامه ریزی کار میکند.

کار برای این نوشته به حمایت انستیتوت جامعه باز و بنیاد انستیتوت جامعه باز افغانستان انجام شده است.

I. معرفی:

غیرنظامیان افغان رنج جنگ را تحمل می کنند. هر چند نیروهای بین المللی در محافظت بهتر از مردم بخصوص کاهش تلفات ملکی مربوط به حملات هوایی پیشرفت های زیادی نموده اند، ولی بعضی افغانها هنوز آنها را برابر با شورشیان و یا حتی خطرناک تر از آنها می دانند. یکی از دلایل اصلی این امر حملات جاری شبانه از جانب این نیروها می باشد.

مصاحبه با مردم محلی نشان می دهد که بعد از تغيی ناکتبیکی جدید که در ماه جون سال 2009 میلادی عملی شد تعداد حملات شبانه کاهش نیافته و حتی حالا در مناطق مانند کندز که قبلاً آرام بود نیز صورت می گیرد.¹ روایت ها یا یادداشت های جمع آوری شده از خوست، پکتیا و مناطق دیگر نشان می دهد که دیدگاه منفی در مورد نیروهای بین المللی تا زمانی تغيی نخواهد کرد که بدرفتاری مرتبط با حملات شبانه ادامه داشته باشد.

برخود این نیروها هنگام حملات و توقیف کردن های بعدی، بر علاوه بر انگیزت احساسات ضد خارجی، پرسشهایی را در مورد قوانین بین المللی نیز ایجاد نموده و پیشرفت ها در رابطه به تقویت حاکمیت قانون و ثبات را زیر سوال می برد و دست آوردهای مثبتی را که توسط اقدامات مردم محور عاملین بین المللی و حکومت افغانستان کسب گردیده خنثی خواهد نمود.

هر چند حملات بر خانه ها از طرف شب بجای روز میتواند مسئله آنی بودن آن را افزایش و خطر علیه نیروهای حامی دولت را کاهش دهد ولی این امر فرصت استفاده از نیروی بدون تفکیک علیه زنان، اطفال و مردان بی گناه را بالا می برد. در این صورت، این کار دشمنی با مردم محل را افزایش می دهد و هدف بزرگ استراتژییک چون بدست آوردن حمایت مردم را زیر سوال می برد. طوری که جنرال استینلی مک کرسنال، فرمانده جدید عملیات نیروهای آمریکایی و یاتو در افغانستان خود گفته است: " با دست آوردهای تاکتیکی که منجر به تلفات ملکی و خسارات ضمنی میشود ما استراتژی خود را با خطر شکست مواجه میکنیم. شورشیان نمی توانند ما را از لحاظ نظامی شکست دهند؛ ولی ما می توانیم خودمان را شکست دهیم."²

علاوه بر آن شواهدی موجود است که اغلب این حملات شبانه بنا بر اطلاعات نادرست صورت گرفته و موجب دستگیری های اشتباهی شده و حتی کسانی که بنا بر دلایل قانع کننده دستگیر شده احتمال می رود که بخاطر موجودیت نهادهای فاسد افغانی رها گردد.

بصورت کل، هزینه حملات شبانه، طوری که فعلاً اجرا و درک می شود، به مراتب سنگین تر از منافع آن خواهد بود.

II. پس منظر یا همان سابقه مسئله: تغيی سیاست در سال 2009 و تمرکز جدید ضد شورش

تلفات ملکی در سال 2008 میلادی 40 افزایش را در مقایسه با سال 2007 میلادی نشان می داد. هر چند شورشیان مسئول اکثر این آسیب ها بوده ولی خشم مردم متوجه نیروهای بین المللی بوده است. تظاهرات در سراسر کشور بخاطر تلفات بالای مردم در نتیجه حملات هوایی و گزارشات در مورد رفتار توهین آمیز در جریان تلاشی های شبانه و بازداشتها برگزار گردید.³ بسیاری افغانها از نیروهای بین المللی خواستند تا [افغانستان را] ترک کنند. نظامیان بین المللی درک نمودند که تلفات غیرنظامیان و بازداشت های مرتبط با جنگ ممکن است مردم را به طرف شورشیان بکشد.

برای معکوس کردن این روند، جنرال مک کرسنال یک اس تراژیکی نظامی جدید را بر اساس نظریه ضد شورش اعلام کرد: تعدادی شورشیان کشته شده بواي مجموع پیروزی اهمیت کمتر داشته نسبت به این که مردم افغانستان از حمایت شورشیان انکار کنند. عناصر انتقادی این استراتژی جدید، نیاز به مح دود کردن آسیب ها به غیرنظامیان افغانی، نشان دادن احترام به رسوم محلی و بهبود پاسخگویی نیروهای بین المللی و دولت افغانستان را شامل آن نمود.⁴ مک کرسنال نیز بصورت درست نیاز به بهبود چشمگیر حاکمیت قانون و نظام عدلی ای که در

سطح بالای فساد اداری، بدرفتاری مکرر با توقیفی ها و کمبود گسترده منابع و مهارت قرار دارد را درک نموده است.

مهمترین گام برای تطبیق استراتژی جدید، دستور جدید تاکتیکی بود که توسط مک کرسنال در ماه جولایی سال 2009 صادر شد. این دستور تاکتیکی فعالیت های مانند حملات هوایی که منجر به تلفات غیرنظامیان میشد را محدود نمود و از نظامیان خواست تا با حساسیت بیشتر نسبت به عنعنات افغانی و نگرانی های مذهبی عمل نمایند. دخالت بیشتر نیروهای افغانی در تلاشی های شبانه نیز جزء این دستورات می باشد: "هرگونه ورود به منازل در افغانستان باید توسط نیروهای امنیتی ملی افغانستان در حمایت با مقامات محلی انجام شود..."⁵ این دستور تاکتیکی برای هر دو مأموریت عملیاتی در افغانستان یعنی نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) به رهبری ناتو و نیروهای ایالات متحده در افغانستان قابل اجرا بوده است.

علاوه بر این، دولت ایالات متحده امریکا روند بازداشت جدید را شکل داد تا به توقیفی های که در بازداشت ایالات متحده در افغانستان بسر می برند حقوق بیشتر داده شود. همچنین ایالات متحده یک بازداشتگاه جدید را افتتاح نمود تا آن را جایگزین زندان بگرام نماید که مورد اتهامات بدرفتاری و شرایط نامناسب قرار داشته است.⁶

III. برداشت جامعه از حملات شبانه

از ماه سپتامبر تا دسامبر 2009 انستیتوت جامعه باز و سازمان غیردولتی افغانستان، دفتر رابط (TLO) یک مطالعه را در ولایات جنگ زده و جنوب شرقی پکتیا و خوست انجام داده است تا بداند که افغانها در ولایات متذکره در مورد نیروهای بین المللی چه نظر دارند و آیا آنها فکر می کنند که اصلاحات جدید در سیاست نظامی موثر خواهد بود یا خیر. این مطالعه شامل 20 بحث گروهی متمرکز (از جمله یکی با زنان)، بوده است که نظریات حدود 150 اشتراک کننده از جمله افراد با نفوذ محلی، ریش سفیدان و اعضای شوراها را ثبت نموده است. این مطالعه همچنان 25 مصاحبه جدی را با افرادی که در بحث های گروهی (از جمله هفت زن) اشتراک نموده بودند انجام داده است. هرچند مطالعه در دو ولایت متمرکز بوده است ولی واکنش های مشابه در مناطق دیگر توسط محققان مستند شده و این امر نشان می دهد که نظریات ارائه شده در این مناطق در دیگر نقاط افغانستان نیز موجود است.⁷

باوجود پیشرفتهای قابل توجه در رفتارهای نیروهای بین المللی، افغانها از رفتار و عدم پاسخگویی نیروهای افغان و بین المللی که در حملات شبانه شرکت می کنند و همچنین از روش بازداشت متعاقب آنان شکایت دارند. این نگرانی ها نگرش منفی در باره نیروهای بین المللی را تقویت و ارزش استراتژیک بسیاری از تغییرات مثبت رفتاری مربوط به تلفات غیرنظامیان و بازداشت را از بین می برد.

الف) تاثیرات مقدماتی اصلاحات فعلی در سیاست

حدود شش ماه بعد از صدور دستور تاکتیکی و دیگر اصلاحات در سیاست، این تغییرات تاثیر قابل توجهی در بعضی مسایل کلیدی داشته است. در حالیکه بخش حقوق بشر معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یونما) پس از سقوط رژیم طالبان در سال 2001 بیشترین تعداد تلفات غیرنظامیان را در سال 2009 به ثبت رسانده است، کاهش قابل ملاحظه تلفات غیرنظامیان توسط نیروهای امنیتی ملی و نیروهای نظامی بین المللی (افت 28 درصد نسبت به سال 2008) را نیز خاطر نشان ساخته است.⁸

در حالیکه استراتژی جدید، تلفات غیرنظامیان توسط حملات هوایی را کاهش داده است ولی این استراتژی در پرداختن به مسائل مربوط به تلاشی های شلبنه کمتر موفق بوده است. گزارش یونما نگرانی "استفاده نیروی بیش از حد" در این حملات را ابراز نموده و از کشته شدن 98 غیرنظامی در حملات شبانه در جریان سال 2009 خبر داده است. این گزارش همچنین اتهامات بدرفتاری، رفتار پرخاشگرانه، عدم رعایت حساسیت های فرهنگی به خصوص نسبت به زنان را خاطر نشان ساخته است.⁹

همزمان با یافته های بونما، چند تن از مصاحبه شوندگان برای این مطالعه قادر به ارائه نمونه های از حملات هوایی که در شش ماه گذشته و بعد از صدور دستور تاکتیکی جدید توسط جنرال مک کرسنال در ماه جولای سال 2009 در ولایت شان اتفاق افتاده بود شدند. اما بسیاری خاطرات تازه آنها را حملات شبانه تشکیل میداد. افغانها از حوادث اخیر که در آن نیروهای بین المللی و/یا نیروهای افغان در رفتار نامناسب، تخریب غیرضروری املاک و بی احترامی به هنجارهای فرهنگی در جریان تلاشی های شبانه درگیر بوده سخن می گفتند. در برخی موارد، مردم می گفتند که آنها لت و کوب افراد توقیفی را با لگد و کنداق تفنگ و حتی بعضاً بعد از ولچک شدن (دستبند زدن) شاهد بوده اند.¹⁰

زندانیان اسبق و دیگر شاهدان تلاشی های شبانه از شکستن ظروف، از بین بردن وسایل و به آتش کشیدن وسایل نقلیه توسط نیروهای بین المللی گزارش داده اند. از آنجائیکه در این خانه ها ده ها نفر زنده گی می کنند، تخریب اموال بصورت گسترده غیر ضروری پنداشته شده و شکایت ساکنانی که هدف تلاشی نمی باشند را در خانه و جامعه در پی داشته است.

روندهای مشاهده شده تماماً منفی نبوده است. مصاحبه شوندگان فقط از چند مثال تازه ای تلاشی های شبانه گزارش دادند که در آنان به متون مقدس بی حرمتی و بد رفتاری های جدی نسبت به زنان صورت گرفته بود. هر چند آنها [نیروهای بین المللی] متوجه این مشکلات در گذشته نیز بوده اند که اینگونه اعمال بخشیده نشده است. ممکن است این کاهش حوادث بخاطر دستور جدید تاکتیکی ی بوده باشد که خواستار احترام بیشتر به غیر نظامیان و مسائل مذهبی و فرهنگی شده و بصورت خاص به نظامیان حکم کرده است که "حساسیت ویژه نسبت به زنان محل" را در نظر بگیرند.¹¹

هر چند تحقیق کردن در مورد واقعات های هر حادثه غیر ممکن می باشد، ولی اتهامات بعضی تخلفات برای پرسیدن این سوال کفایت می کند که آیا نیروهای بین المللی مرتکب نقض قوانین بین المللی و همچنین قوانین نظامی قابل تطبیق در کشور خودشان شده اند یا خیر. در حالیکه تلاشی خانه ها و دستگیری جنگجویان مظنون در زمان جنگ مجاز می باشد، ولی قوانین بین المللی نیروی بازداشت کننده را ملزم به پیروی از معیارهای اساسی رفتاری ساخته است. به عنوان مثال، لت و کوب مردی که سلاح ندارد و دستبند زده شده است مسلماً نقض معاهده ژنو خواهد بود.

علاوه بر این، تلاشی های شبانه همچنان مخاطب اصول تناسب و تفکیک تحت قوانین بشردوستانه بین المللی می باشد.¹² به عبارت دیگر، تلاشی های شبانه باید فقط بر اهداف نظامی متمرکز باشد و هر خساره و اتفاقی دیگر که آنها علیه غیر نظامیان مرتکب میشوند باید متناسب با نفع حمله بر هدف نظامی باشد. حملات شبانه که با استفاده از نیروی بیش از حد صورت می گیرد یا موجب آسیب های جدی به اطرافیان، اعضای خانواده و یا ملکیت آنها می گردد نگرانی جدی را در مورد این که آیا این اصول به درستی مورد احترام قرار گرفته است یا خیر را ببار می آورد.

میزان اشتراک دولت های شامل منازعات مسلحانه داخلی باید مبتنی بر اجراءات معیارهای قانونی ای که در قوانین حقوق بشر به آن پرداخته شده باشد نه بر اساس قوانین بشر دوستانه بین المللی، و این یک بخش در حال تحول در قوانین بین المللی می باشد.¹³ در حالیکه این مسئله یک موضوع جنجالی در حقوق می باشد، هزینه ها و منافع آن به عنوان یک سیاست، کاملاً روشن است. اجراءات معیارهای قانونی حمایت بیشتری را در برابر آسیب های اتفاقی فراهم می کند، بیشتر به نگرانی ها در رابطه به پاسخگویی می پردازد، بصورت بهتر اجازه جمع آوری شواهد را می دهد که این کار به محکومیت و تبرئه و دقیق کمک می کند و همچنان حاکمیت قوی معیارهای قانون را بصورت تدریجی در افغانستان پیاده خواهد نمود. بنا بر این، قویاً توصیه می شود که در صورت امکان، نیروهای نظامی و دیگر نیروها فقط زمانی دست به حملات شبانه بزنند که گمان میکنند این امر غیر قابل اجتناب و در مطابقت با اجراءات قانونی و معیارهای بین المللی حقوق بشر است.

(ب) حمله به کلینک های طبی و دیگر سازمان های بشر دوستانه

هدف حملات شبانه فقط خانه های افراد ملکی نبوده ، کارمندان سازمان های غیر دولتی و کلینک های صحتی نیز از حمله بر تاسیسات شان توسط نیروهای بین المللی و افغان گزارش داده اند. در یکی از مثال های بسیار روشن، نیروهای بین المللی بر کلینک کمیته ء سویدن در افغانستان (SCA) در ولایت میدان وردک در ماه اگست سال 2009 یورش بردند. به گفته دفتر کمیته سویدن، در جریان این یورش، این نیروها به زور داخل چندین اتاق می شوند، بعضی کارمندان داخلی و اقارب مریضان را بسته می نمایند و به مریضان دستور می دهند تا از اتاق های شان بیرون شوند.¹⁴ چنین نیز گفته می شود که نیروهای بین المللی به کارمندان این کلینک دستور دادند تا در صورت مراجعه مریضانی که گمان می رود طالب باشند به این نیروها در آینده خبر دهند.¹⁵ آیساف مدعی است که نیروهای آنان قبل از ورود اجازه گرفته گرفته بودند.

بر اساس قوانین بین المللی، کلینک های صحتی حتی اگر آنها شورشیان مجروح را نیز مداوی می کنند، بصورت کل از حملات در امان هستند. گزارش یونما نشان دهنده این واقعیت است که نیروهای بین المللی با ورود در مرکز تسهیلات صحتی در وردک فراتر از آنچه برای شان مجاز بوده پا نهاده اند.

ج) درک نیروهای بین المللی

شیوه ذاتی تلاشی های شبانه مثلاً داخل شدن در خانه ها هنگام شب و رفتار با زنان و اطفال، در تضاد با مفاهیم اساسی حریم خصوصی می باشد. افغانها باور دارند که زنان قابل احترام هستند و نباید توسط افراد بیرونی لمس شوند. بعضی زنان در مصاحبه های شان گفته اند که آنها ترس از این دارند که اگر در جریان این تلاشی ها توسط خارجی ها دیده شوند و یا آنها را ببینند به جهنم خواهند رفت.¹⁶

از آنجائیکه این نوع عملیات ها برای جوامع افغانی بسیار توهین آمیز به شمار می آید، گزارشات بدرفتاری در جریان حملات شبانه نیز بسیار اغراق آمیز می باشد. در جریان بحث و گفتگو، مصاحبه شوندگان از پاره نمودن اوراق قرآن کریم و یا تکه نمودن آن با تبر، بردن زن ان توسط هیللی کوپتر و برگرداندن جسد آنها و تیر اندازی بسوی اطفال توسط نیروهای بین المللی یاد نموده اند.

حتی اگر برخی از این داستانها بدلیل تبلیغ شورشیان نیز بوده باشد افغانها حاضر هستند آن را باور کنند. تصور بر این است که نیروهای حاضر به انجام حملات شبانه به عنوان معاهده ء استاندارد میتوانند تمایل به انجام اعمال ظالمانه دیگر نیز در جریان این عملیات ها داشته باشد.

هرچند بسیاری ای این اتهامات غیر قابل توجه و یا دروغین بوده است، ولی نیروهای نظامی بین المللی و افغان نباید از این امر چشم پوشند که این اتهامات بر اساس واقعیت بدرفتاری ساخته شده و حتی اتهامات "باور نکردنی" میتواند به شکل دهی دیدگاه جوامع افغانی از منازعه سهم داشته باشد. این داستانها چه تبلیغات باشد چه گزارف گویی و چه هم حقیقت، شکایات در رابطه به تلاشی های شبانه در اسرع وقت بین مردم پخش می شود و واک نش شدید را بر می انگیزد. این اتهام که نیروهای بین المللی در ماه اکتوبر در ولایت میدان وردک به قرآن کریم اهانت کردند، منجر به سازماندهی 15 مظاهره در سراسر کشور گردید.¹⁷

علاوه بر این، این نوع تجربیات باعث ایجاد (یا افزایش) دیدگاه منفی در مورد نیروهای بین المللی شده و حتی بعضاً افراد را بسوی حمایت از شورشیان سوق می دهد. طوری که یک مصاحبه شونده گفت، "اگر کسی را در مقابل زنان دستبند زده باشد ما دیگر هیچ راهی را بجز رو نمودن بطرف کوهها نمی بینیم [برای اینکه همگام با شورشیان بجنگیم]"¹⁸ انجام هر عملیات شبانه موجب تقویت این دیدگاه می شود و به تبلیغات شورشیان جان تازه میدهد.

د) عدم مسئولیت پذیری در حملات شبانه

خشم مردم در رابطه به تلاشی های شبانه بصورت مساری در عدم مسئولیت پذیری ریشه دارد. برای افغانها دانستن اینکه کدام نیروها در یک قضیه دخیل بوده و تشخیص فوری موقعیت افراد توقیف شده بعد از دستگیری

بسیار مشکل می باشد. بر علاوه مقامات دولت افغانستان، گروه های بازسازی ولایتی (PRT) یا پایگاه های مقدم عملیاتی (FOB) معمولاً اولین نقطه تماس برای اقارب افراد توقیفی با نظامیان بعد از انجام عملیات می باشد. چندین مصاحبه شونده اظهار داشته است که وقتی آنها خواستار معلومات از نیروهای بین المللی و افغان شدند یا به درخواست آنها توجه نشد و یا هم آنها تهدید شدند که که بیشتر سوال نکنند.

"آنها نمی توانند به پایگاه راه یابند. آنها [نیروهای بین المللی] به آنها اجازه ورد نمی دهند، " یکی از نمایندگان مردم در این مورد توضیح داد. " بسیاری مردم از رفتن به آنجا هراس دارند. آنها هراس دارند که اگر آنها در مورد کسی که توقیف شده سوال نمایند به آنها نیز حمله خواهد شد."¹⁹

یکی از پاسخ دهندگان در مورد قضیه ماه جولای سال 2009 که در ولایت پکتیا رخ داده بود و در آن احتمالاً یک مرد بصورت عمدی در جریان حمله شبانه کشته شده بود چنین شرح داد. وقتی بزرگان محلی به نیروهای کمپاین، شبه نظامیان غیر منظم که گمان میرفت در آن تلاشی شبانه دخیل بوده باشند، مراجعه نمودند تا بدانند که چرا آنمرد کشته شده است، به آنها (بزرگان محلی) گفته شده بود که قضیه را دنبال نکنند و الا آنها به زندان در گوانتانامو فرستاده خواهند شد.²⁰

در ماه می سال 2008، فلپ آلستون، گزارشگر خاص سازمان ملل در مورد اعدام های خودسرانه از عدم تمایل نیروهای بین المللی و یا عدم توانایی آنها در شناسایی واحد بین المللی که در عملیات دخیل بوده انتقاد کرد.

دریافت توضیحات از نیروهای بین المللی مانند داخل شدن به یک معما می باشد که من خود آن را تجزیه کردم. یک فرمانده آیساف به من شرح داد که برای اینکه او مشخص کند که یک عملیات توسط کدام یک از قراردادی های آیساف انجام شده و اینکه آن نیرو متعلق به کدام کشور بوده اند، او باید قضیه را به سلسله فرماندهی ارجاع کند تا مشخص شود که آیا همان عملیات توسط نیروی خاص آیساف انجام شده است یا خیر، و بعد از آن باید از فرمانده موظف عملیات آزادی دیرپا یا OEF تقاضا کند تا او معلوم کند که کدام یک از نیروهای ائتلاف مسئول می باشد.²¹

حدود دو سال بعد، انتقادهای آلستون هنوز وارد به نظر می رسد. تلاشی های شبانه را، بجای نیروهای آیساف محلی که در گروه های بازسازی ولایتی هستند غالباً نیروهای خاص عملیاتی (SOF) که خارج از فرماندهی منطقی است انجام می دهند. هر چند تلاش ها در سال 2009 صورت گرفت تا نیروهای خاص عملیاتی را شامل سلسله فرماندهی کنند ولی فرماندهان آیساف محلی اکثراً هنوز نمی دانند که در ساحه عملیاتی آنها حمله ای چگونه و توسط کدام نیروها انجام شده است. در جریان یک ملاقات بتاريخ 19 نوامبر سال 2009 بین فرماندهی ساحه شمال و عاملین کمک های انکشافی و بشردوستانه در کندز، یکی از کارمندان نظامی آیساف ناامیدی خود را از فعالیت های جدید نیروهای خاص امریکایی در منطقه آنها و عدم تشریح جزئیات در مورد این حملات چنین بیان کرد: "آیساف نمی تواند در هر کاری که نیروهای خاص امریکایی انجام می دهند نفوذ داشته باشد."²² برای مشخص کردن نگرانی ها در مورد حملات ی که توسط نیروهای خاص عملیاتی انجام می شود، ناظران مستقل در ولایات جنوبی قندهار و هلمند گفتند که جدیداً بعضی حملات بجای نیروهای خاص امریکایی توسط آیساف محلی صورت گرفته است و گفتند که اظهار نگرانی در مورد آنان و همچنین پیگیری عاملین حملات که توسط نیروهای آیساف انجام شده بسیار ساده تر می باشد.²³

چنانچه در ارزیابی استراتژی نظامی افغانستان توسط جنرال مک کرسنال نیز ذکر گردیده، فقدان نظارت بر کسانی که حملات را انجام می دهند نیز استعداد خانواده های متضرر بی گناه را برای دریافت عذرخواهی و جبران خساره مناسب، ضعیف میکند.²⁴ آیساف یک نظام جامع جبران خساره در افغانستان ندارد و این کار را به ابتکار نیروهای درگیر در یک قضیه وا گذاشته است.²⁵ زمانی که این نیروها (بطور دائم) در محل نبوده و قابل شناخت در سلسله فرماندهی نباشند، طوری که اغلباً در قضایای حملات شبانه می باشد، غیر نظامیان متضرر تقریباً هیچ فرصتی برای تشخیص و جبران خساره شان نخواهند داشت.²⁶

همچنین به نظر می رسد که مسئولیت پذیری و تأیید معلومات استخباراتی که منجر به انجام این نوع حملات می شود کافی نیست. بسیاری از کسانی که در جریان تلاشی های شبانه دستگیر شده می گویند که آنها محض بخاطر این امر هدف حملات قرار گرفتند که رقبای و یا دشمنان آنها بصورت آگاهانه معلومات غلط را به نیروهای بین المللی انتقال داده اند. هرچند تأیید این اتهامات مشکل می باشد، ولی این واقعیت که اکثر افراد دستگیر شده بزودی بعد از دستگیری و بدون هیچ گونه اتهام رها می شوند، تکرار حملات غیردقیق هوایی و محرکات پنهان محلی در بسیاری مناطق افغانستان به این اتهامات تا جای اعتبار خواهد بخشید. طوری که یک دکاندار در ولایت پکتیا گفت، "نیروهای ملی افغان و نیروهای بین المللی شش بار به خانه ما حمله نموده اند. هر زمانی که آنها خانه ما را تلاشی کردند نتوانستند چیزی پیدا نمایند و بعداً معذرت خواهی نموده گفتند که اطلاعات غلط به آنها داده شده است."²⁷

تحقیقات در رابطه به شورش ها و جنگ های داخلی ای دیگر نشان داده است که انگیزه اصلی برای انتقال اطلاعات به یک جانب یا جانب دیگر عموماً شخصی بوده است.²⁸ با توجه به این تحقیقات و گذشته ای دشمنی های قومی و قبیله ای در افغانستان، این تعجب آور نیست که اکثر اطلاعات در مورد تلاشی های شبانه به علت انگیزه های شخصی فرد اطلاع دهنده بوده باشد. هرچند بعضی از این اطلاعات درست می باشد ولی بقیه خیر. به همین دلیل، ایجاد میکانیزم قوی جهت تأیید این اطلاعات برای تأثیر بیشتر این عملیات ها ضروری می باشد.

دیدگاه افغانها در مورد این حملات و شکایات این است که نیروهای بین المللی تحت فرهنگ مصنوعیت از مجازات عمل می کنند. این انتقادات در عدم شفلیت از چگونگی هدایت این عملیات ها و عاملین آن و همچنین نبود یک میکانیزم برای پرداختن به شکایات در مورد این عملیات ها بعد از انجام آن، تعجب آور نخواهد بود. استراتژی نظامی و ملکی در افغانستان هر دو بر اهمیت حاکمیت قانون و مسئولیت پذیری نیرومند دولت برای ثبات دراز مدت تأکید دارد. گزارش های بدرفتاری و نگرانی ها در مورد عدم مسئولیت پذیری در رابطه به این حملات بجای اصلاح کردن معایب موجود در نظام بازداشتی و عدلی افغانستان، آن را تقویت خواهد نمود. نیروهای بین المللی با نداشتن یک سیستم دقیق مسئولیت پذیری که بتواند به تلاشی های شبانه که منجر به بدرفتاری، تخریب ملکیت، دستگیری های اشتباهی و عدول از مقررات میشود، جوابگو باشد درست در تناقض با جامعه بین المللی که سالانه میلیاردها دالر را برای تقویت حاکمیت قانون به مصرف می رساند، کار می کند.

ه) رفتار نیروهای ملی امنیتی افغان، شبه نظامیان غیر مسوول و دیگر عاملین افغانی

یکی از اصلاحات مثبتی که توسط دستور تاکتیکی ماه جولای سال 2009 بوجود آمد این بود که نیروهای ملی امنیتی افغان باید در تمام حملات شبانه شامل باشند و این چیزی بود که تمامی جوامع افغانی خواستار آن بود.

متأسفانه، با این حال، بعضی مزایای این تغیر مثبت با اتهامات بدرفتاری توسط نیروها و کارمندان افغانی در جریان حملات و بعد از آن در جریان توقیف، زیر سوال رفت. نیروهای بین المللی بعد از دستگیری افراد آنها را عموماً به نهادهای افغانی مانند پولیس ملی افغانستان، اردوی ملی افغانستان و ریاست امنیت ملی تحویل می ده که دچار فساد و اتهامات شکنجه و بدرفتاری هستند.²⁹ بارها گزارش شده که به افراد توقیف شده توسط نیروهای بین المللی گفته شده تا به ارزش چندین هزار دالر امریکایی رشوت بپردازند و رهایی شان را تضمین کنند.

مصابحه شونندگان بخصوص از بدرفتاری توسط پولیس ملی افغانستان و شبه نظامیان غیرمسئول که عموماً به نامهای "کمپاین" و "گروه های مسلح امنیتی" شناخته میشوند، شکایت داشتند. نیروهای کمپاین بخصوص مشکل ساز می باشند چون آنها جزء از نیروهای امنیتی ملی افغانستان نیستند و این امر باعث تشدید نگرانی ها در مورد مسئولیت پذیری ای گروه های مسلح که در تلاشی های شبانه پهلو به پهلو نیروهای بین المللی عمل میکنند میشود. قلب آلتون، گزارشگر خاص سازمان ملل متحد در مورد قتل های خودسرانه در این رابطه چنین می گوید:

[این] بصورت قطعی برای نیروهای به شدت مسلح بین المللی و همراهان مسلح افغانی آنها غیر قابل قبول خواهد بود که با اجرای حملات خطرناک در هرسو بگردند که عموماً به کشتار می انجامد بدون اینکه کسی مسئولیت آن را به عهده بگیرد.³⁰

مصاحبه شوندهگان اعتقاد داشتند که نیروهای کمپاین و افغانهای دیگر بصورت عمدی معلومات غلط را به نیروهای بین المللی می رسانند تا مشکلات شخصی و دشمنی های قبیلوی شان را از این طریق تصفیه نمایند. اکثریت مطلق مصاحبه شوندهگان اطلاعات نادرست را موجب دستگیری های نادرست قلمداد کردند. تقریباً تمام کسانی که با آنها مصاحبه صورت گرفته است می گفتند که بهتر می بود اگر حملات شبانه و یا عملیات های بدیل برای توقیف توسط نیروهای افغانی صورت می گرفت بشرط اینکه عملکرد آنها همراه با تلاش های بیشتر برای اطمینان از اطلاعات دقیق و اجراءات در بخش نیروهای افغانی توأم با احترام و مسئولیت پذیری باشد.

IV. نتیجه گیری

افغانها قربانی خشونت های درحال رشد میان شورشیان و نیروهای بین المللی می باشند. چون ساحات بی طرف موجود نمی باشد، اکثر افغانها در مناطق جنگی زندگی میکنند. تلاش ها توسط مردم محل برای فاصله گرفتن از نیروهای بین المللی و یا شورشیان مسلماً موجب هدف قرار گرفتن افراد ملکی توسط این یا آن جانب می شود.

یک بزرگ قومی از خاص ارزگان چنین توضیح داد:

در آنجا فعلاً شش حکومت وجود دارد. گروه های باز سازی ولایتی، شبه نظامیان هزاره [نیروهای کمپاین]، اردوی ملی، پولیس ملی، ولسوالی و طالبان. مادر میان آنها گیر مانده ایم. اگر شما بطرف حکومت بروید طالبان شما را می کشد. اگر طرف طالبان را بگیرید، یا حکومت شما را می برد و یا هم بمب می افتد.³¹

انجام حملات شبانه و مصئونیت کسانی که در آن شرکت دارند بخش اصلی شکایت های افغانها در مورد نیروهای بین المللی را تشکیل می دهد. این حملات، تبلیغات علیه دولت افغانستان و حضور بین المللی در افغانستان را تقویت می کند. این عملیات ها سودمند نمی باشند و جامعه بین المللی را از دست یابی به اهداف بنیادی مانند ایجاد ثبات و بدست آوردن حمایت و اعتماد مردم باز خواهد داشت.

از یک دیدگاه استراتژی یک نظامی، این عملیات ها دست آوردهای کسب شده توسط اصلاحات مثبت در استراتژی جدید ضد شورش را زیر سوال می برد. باوجود کاهش در تعداد حملات هوایی و تلفات مرتبط ملکی توسط نیروهای بین المللی، گفته های باشندگان ولایات خوست و پکتیا، که در حقیقت نماینده واقعی آنعه مردم افغانستان می باشند، که در مناطق ناآرام زنده گی می کنند، نشان می دهد که دیدگاه غالب در مورد نیروهای بین المللی به عنوان اینکه آنها [نیروی] بی تفاوت یا متخلف عمدی می باشد و رنج مردم افغانستان تا زمانی تغیر نخواهد کرد که حملات خشونت آمیز شبانه و دستگیری های اشرتیه آمیز ادامه داشته باشد.

V. پیشنهادات

1. یافتن بدیل برای حملات شبانه در صورت امکان

اجرای حملات شبانه باید با این موشگافی خاص که این عملیات ها چرا و تحت چه شرایط در هنگام شب انجام گیرد و چرا تدابیر سنتی اجرای قانون برای دستگیری مظنونین ممکن یا مناسب نیست بررسی شود. هرچند در برخی موارد حملات شبانه ممکن است تنها راهی برای بازداشت یک فرد باشد، ولی در مواردی دیگر بصورت واضح راه های که کمتر مهاجمانه می باشد وجود دارد که باید و یا میتوان از آنها کار گرفت. مردم افغانستان بسیار بجا سوال می کنند که چرا نیروهای بین المللی یک مظنون را به شکل بسیار ساده از طرف روز و به شیوه ای که کمتر خشونت آمیز و برابر با معیارهای قانونی می باشد دستگیر نمی کنند.

2. هماهنگی حملات شبانه با فرماندهان نیروهای بین‌المللی کمک و امنیت (آیساف) در محل

حملات شبانه می‌تواند خصومت زیادی را در میان جمعیت محلی بیارود و یک ضربه، تلاش چند ماهه ضد شورش یک فرمانده نیروهای بین‌المللی کمک و امنیت در محل را به هیچ تبدیل می‌کند. با این حال چون بسیاری از حملات شبانه توسط نیروهای عملیاتی خاص انجام می‌شود، فرماندهان نیروهای بین‌المللی کمک و امنیت در محل اغلباً شکایت دارند که آنها حتی نمی‌دانند که حملات در منطقه تحت عملیات آنها چه وقت صورت می‌گیرد. هماهنگی بیشتر می‌تواند این دست آوردها را حفظ کند و عواقب منفی حملات را که برنامه ریزی ضعیف شده است، کاهش دهد. فرماندهان نیروهای بین‌المللی کمک و امنیت در محل را از انجام هر نوع حملات شبانه در منطقه تحت عملیات آنها آگاه نگه دارید و در تصمیم‌گیری، تعین اهداف و اجراءات به آنها سهم دهید.

3. جلوگیری از اطلاعات نادرست

در یک جامعه ای مانند افغانستان که به خطوط قومی و قبیله‌ای تقسیم است، برای بلویگران نظامی بهتر خواهد بود تا اطلاعات را بصورت دقیق و با استفاده از تعداد بیشتر و منابع مختلف محلی بشمول دولت افغانستان مورد بررسی قرار دهند. همچنان مهم است که نیروهای بین‌المللی نیز در جریان حملات شبانه و یا دیگر عملیات‌های جستجو و یا دستگیری، شواهد را بطور کامل جمع‌آوری و ضبط نمایند. این امر صحت و اعتبار روند قانونی را افزایش می‌دهد، چیزی که فرد دستگیر شده موضوع نهایی آن می‌باشد.

4. اطمینان حاصل شود که دخالت بیشتر افغانها به معنی مجوز برای تخلف نیست

در عین حال که گسترش دخالت افغانها در تصمیم‌گیری و رهبری عملیات‌های شبانه یک پیشرفت قابل ملاحظه و مورد تأیید مردم می‌باشد در عین حال این امر تمام مشکلات را حل نمی‌کند. اگر نیروهای بین‌المللی مانع قانون شکنی و بدرفتاری نیروهای افغانی که آنها را همراهی میکنند نشود، اکثریت افغانها نیروهای بین‌المللی را مقصر بدرفتاری نیروهای افغانی می‌دانند. به همین دلیل انتقال بیشتر مسئولیت‌ها به نیروهای افغان به معنی چشم‌پوشی از انتقادات برای چگونگی انجام تلاشی‌های شبانه نیست. بناءً نیاز است تا نیروهای امنیتی ملی افغانستان برای تخلفات‌شان پاسخگو باشند و آموزش ببینند تا اشتباهات نیروهای بین‌المللی را تکرار نکنند.

5. اجتناب از کار کردن با شبهه نظامیان غیرمنظم

کار کردن با گروه‌های مسلح امنیتی یا نیروهای کمپاین که خارج از دستگاه امنیتی دولت افغانستان فعالیت دارند به معنی استتعال از فاجعه است. این گروه‌ها در تخلفات شهرت دارند و نظارت از آنها مشکل خواهد بود. تحقیق نشان می‌دهد که افغانها ترجیح میدهند با نیروهای امنیتی‌ای طرف باشند که بتوانند آنان را با بدنه دولتی پیوند دهند که این نیروها در برابر آن پاسخگو باشند، ولو این امر تشریفاتی هم باشد.³² حداقل آن‌ها می‌دانند که به کجا شکایت کنند و در تئوری چه کسی باید پاسخگو باشد.

6. بازگرداندن اعتماد توسط مسئولیت‌پذیری بیشتر

بعد از هشت سال حملات شبانه، مردم افغانستان از وعده‌های نیروهای بین‌المللی برای بهتر کردن اجراءات‌شان بی‌اعتقاد شده‌اند. بازسازی این اعتماد از دست رفته مخصوصاً با تداوم انجام منظم حملات شبانه مشکل خواهد بود. حتی زمانی که رفتارها نیز بهبود یابند، محض تداوم حملات شبانه شناسایی، پیشرفت‌ها را کند خواهد کرد. نیروهای بین‌المللی نیاز به فعالیت بیشتر دارند تا اعتماد از دست رفته و اعتماد مردم افغانستان را دوباره بدست بیاورند.

بهبود پاسخ‌گویی یک امر مهم در اعتماد سازی خواهد بود. تغییرات خاص می‌تواند شامل اینها باشد:

شفافیت بیشتر در مورد حملات شبانه، حداقل بعد از انجام آن؛ پاسخگو ساختن همراهان افغانی؛ و تأمین ارتباطات با متضررین بعد از اطلاع یافتن از سوء رفتار.

معذرت‌خواستن و پرداخت خساره در صورت اقتضا به خانواده‌های بیگناه که اشتباهاً مورد حمله قرار گرفته‌اند، میتواند خشم مردم را بعد از وقوع حادثه کم نماید و درک آنها در رابطه به پاسخگویی را بهبود بخشد.

برای تسهیل نمودن این کار، نیروهای بین المللی بایع یک میکانیزم را برای دریافت و پاسخ به شکایات، تحقیقات در مورد حملات شبانه و اجرای جبران خساره در صورت درست بودن اتهام، بنا نهادند. برای موثریت بیشتر این میکانیزم باید به تمام اطلاعات در مورد حملات شبانه، مشمول توضیحات نوشته شده قبل از حمله برای اینکه چرا این حمله بجای روز از طرف شب انجام شود، دسترسی داشته باشند. جهت پاسخگویی، هر عملیات باید بصورت کتبی از طرف یک کارمند نظامی نیروهای ایالات متحده یا آیساف موزون در سلسله فرماندهی، تصدیق شود.

این میکانیزم باید برای جوامع افغانی نیز قابل دسترسی باشد و در صورت پرسش آنها در مورد عملیات، اطلاعات مربوط به آن ارائه شود. هرچند یک بخش تعقیب تلفات ملکی در سال 2008 [در فرماندهی آیساف] ساخته شد ولی طوری که یونما دریافت، این بخش بصورت خاص پاسخگو و قادر به "درمیان گذاشتن مسائل خاص با مقامات" نبوده است.³³ پاسخگویی حقیقی فقط دریافت شکایات و ارتباطات با مقامات رسمی نه، بل داشتن صلاحیت پاسخگویی به نگرانی ها و اقدامات با معنی می باشد.

¹ برای مثال نگاه کنید، Susanne Schmeidl، 2009 "تازمانی که شما احمد اشته را بگیرید..." شبکه تحلیلگران افغانستان <http://aan-afghanistan.com/index.asp?id=508> (دسترسی بتاريخ 25 جنوری 2010) و جاناتون هارویتز، "زندانیان سرایک بگرام می گویند، دستگیری وحشی و بازجویی توسط نیروهای ایالات متحده"، Huffington Post بتاريخ 28 جولای 2009، http://www.huffingtonpost.com/jonathan-horowitz/former-bagram-detainee-de_b_275795.html (دسترسی به تاریخ 30 اگست 2009)

² "ارزیابی ابتدایی COMISAF (غیر سری) بتاريخ 30 اگست 2009، اسناد قابل جستجو، "30 اگست 2009" <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/09/21/AR2009092100110.html> (دسترسی به تاریخ 25 جنوری 2010)

³ برای مثال نگاه کنید، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، *از امید به سوی ترس، دیدگاه افغانها در مورد رفتارهای نیروهای حامی دولت*، دسامبر 2009

⁴ ارزیابی COMISAF، یادداشت 2

⁵ ناتو/ آیساف، "دستور تاکتیکی آیساف"، کابل، افغانستان، 29 جولای، ص 2

⁶ نگاه کنید، عمومی، هیئت معاونیت سازمان ملل متحد در افغانستان، افغانستان: گزارش سالانه در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه، 2009، جنوری 2010

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Protection%20of%20Civilian%202009%20report%20English.pdf>

⁷ برای مثال نگاه کنید، گزارش سال 2009 یونما از محافظت غیر نظامیان، یادداشت 6، سوسان شمل، الکساندر دی ماونت و نک میزاک، در عقب پتو، بطرف محافظت بیشتر افراد بی جا شده داخلی در جنوب افغانستان، یک گزارش جمعی پروژه برن برای بی جه شدگان داخلی و دفتر ارتباطات، واشنگتون دی سی: انستیتیوت بروکنز، 2009

⁸ یادداشت 6

⁹ همان

¹⁰ مصاحبه، خوست، 15 اکتبر 2009، و مصاحبه تعقیبی، خوست، 24 اکتبر 2009

¹¹ دستور تاکتیکی آیساف، ص 2، یادداشت 5

¹² پروتکول الحاقی اول کنوانسیون ژینو 1949، و مرتبط با محافظت از قربانیان منازعات بین المللی، ماده 51، 8 جون 1977، 1125 U.N.T.S. 3. این اصول منعکس کننده حقوق عمومی بین المللی می باشد، همچنین پابند کننده اطراف که پروتکول را امضا نکرده اند، جین ماری هینکرتز، مطالعه قواعد حقوق عمومی بشردوستانه بین المللی، قواعد 1 الی 14، 2005

¹³ مارک فری مین، "قوانین بین المللی و منازعات مسلحانه داخلی: وضاحت حقوق بشر و محافظت بشردوستانه"، ژورنال کمک های بشردوستانه، 24 جولای 2007.

¹⁴ نگله کنید، کمیته سویدن برای افغانستان، "نظامیان بین المللی خلاف قوانین به کلینک کمیته در وردک داخل شدند" اعلامیه

مطبوعاتی، 6 سپتامبر 2009

¹⁵ یادداشت 6

¹⁶ مصاحبه نویسنده با یک زن در گردیز، پکتیا، 13 دسامبر 2009

¹⁷ یادداشت 6

¹⁸ مصاحبه، گردیز، پکتیا، 9 دسامبر 2009

- ¹⁹ مصاحبه، گردیز، پکتیا، 9 دسامبر 2009
- ²⁰ مصاحبه، گردیز، پکتیا، 27 دسامبر 2009، بر علاوه این تهدید، هیچ زندانی ای بعد از سال 2008 به گوانتانامو فرستاده نشده است و بنظر نیز نمی رسد که بعداً کسی فرستاده شود.
- ²¹ اعلامیه مطبوعاتی پروفسور فلپ آلتون، گزارشگر خاص شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد قتل های ماورای عدالت و محاکمه صحرايي، کابل، 15 می 2008،
- <http://www.extrajudicialexecutions.org/application/media/Statement.%2015%20May%202008.%20Kabul.%20Afghanistan%20%5BEnglish%5D.pdf> ص 2
- ²² آگهی فرماندهی ساحه شمال با عاملین انکشاف و بشردوستانه، قندوز، 19 نوامبر 2009
- ²³ مصاحبه با آمرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 31 جنوری 2010
- ²⁴ ارزیابی COMISAF، یادداشت 2
- ²⁵ کمپاین برای قربانیان بی گناه در منازعات، از دست دادن مردم، ارزش و پیامدهای خسارات ملکی در افغانستان، فیروزی 2009،
- www.civicworldwide.org/afghan_report
- ²⁶ یادداشت 25
- ²⁷ مصاحبه، زرم، پکتیا، 3 نوامبر 2009
- ²⁸ ستانس ن کالویاس، منطق خشونت در خانه جنگی، 2006
- ²⁹ دیدبان حقوق بشر، "کانادا/افغانستان: مسئولیت های کانادا در رابطه به بدرفتای با زندانیان بررسی شود،"
- <http://www.hrw.org/en/news/2009/11/27/canadaafghanistan-investigate-canadian-responsibility-detainee-abuse>
- همچنین دیده شود کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان،
- http://www.aihrc.org.af/english/Eng_pages/Researches_eng/Research_cause_of_Torture_2009_April.pdf
- ³⁰ یادداشت 21 ص 2
- ³¹ یادداشت 7
- ³² سوسان شمل، 2007، " مطالعه قضیه افغانستان- محافظین را کی محافظت میکنند؟" شرکت های امنیتی خصوصی و مردم محل. مطالعه مقایسوی افغانستان و منگولیا. گزارش Swisspeace، نوامبر 2007،
- http://www.swisspeace.ch/typo3/fileadmin/user_upload/pdf/PSC_01.pdf ص 14 تا 45
- ³³ یادداشت 6 ص 30

عکس در جلد: دیوید گل
موضوع عکس: نظامیان انگلیسی در حال رد شدن از یک قریه در ولایت هلمند افغانستان